

## چگونه مفاهیم دینی را به کودکان منتقل کنیم؟

اگر خواسته باشیم مفاهیم انتزاعی همانند خدا، مرگ، قیامت و کیفر و پاداش اعمال را به کودکان آموزش دهیم، باید این مفاهیم را بر پایه ویژگی‌های محسوس توصیف کنیم و آن‌ها را در قالب بازی‌ها و داستان‌های کودکان به آنان بیاموزیم.



اگر خواسته باشیم مفاهیم انتزاعی همانند خدا، مرگ، قیامت و کیفر و پاداش اعمال را به کودکان آموزش دهیم، باید این مفاهیم را بر پایه ویژگی‌های محسوس توصیف کنیم و آن‌ها را در قالب بازی‌ها و داستان‌های کودکان به آنان بیاموزیم.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، از جمله وظایف بسیار مهم پدر و مادر، آموزش تعالیم دینی و تربیت مذهبی به کودکان و نوجوانان است. امام سجاد(ع) درباره این وظیفه مهم پدر و مادرها می‌فرماید: «حق فرزندت بر تو این است که بدانی وجود او از توست و نیک و بدهای او در این دنیا به تو وابسته است و بدانی که در حکومت پدری و سرپرستی او، مؤاخذ و مسئولی؛ وظیفه داری فرزندت را به آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی؛ او را به سوی خداوند بزرگ راهنمایی کنی و در پیروی و بندگی پروردگار یاری اش نمایی؛ به رفتار خود در تربیت فرزندت توجه کنی؛ پدری باشی که به مسؤولیت خویش آگاه است؛ [و] می‌داند اگر به فرزند خود نیکی کند، در پیشگاه خداوند پاداش دارد و اگر به او بدی کند، سزاوار مجازات خواهد بود بنابراین بر پدران، مادران و معلمان است که به مسؤولیت شرعی و اخلاقی خویش آگاه باشند و در پرورش ایمان و اخلاق کودکان جدیت و کوشش بسیار به کار برند.»

متأسفانه برخی از والدین به تربیت مذهبی فرزندان خود هیچ توجهی ندارند و برخی دیگر که تربیت مذهبی و اخلاقی کودکان و نوجوانان برایشان مهم است، روش مناسب آن را به کار نمی‌برند. بلکه مفاهیم دینی و اخلاقی را با همان روش‌ها و واژه‌هایی که بزرگسالان می‌آموزند، آموزش می‌دهند.

از شگفتی‌های دنیای کودکان، مذهب و ایمان آنان است. کودک فطرتی خدا آشنا دارد: «کلُّ مَوْلُودٍ یُولَدُ عَلَی الْفِطْرَةِ» و یا در سوره روم خداوند متعال می‌فرماید: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا.» زیرا نفخه‌ای از روح خدا در ذات او نهفته است. مبانی بسیاری از باورهای مذهبی در اندرون او وجود دارد که با اندک یادآوری پدران، مادران، مربیان و یافتن مصداق‌هایی در جهان خارج، آن را می‌پذیرد و خود را با آن تطبیق می‌دهد.

از حدود چهار سالگی، کنجکاو سراسر وجود کودک را فرا می‌گیرد و سبب می‌شود با حقایقی درباره جهان آشنا شود. این آشنایی‌ها، خود به مبدأجویی و پذیرش خدا خواهد انجامید. این مرحله، سن طبیعی برای پذیرش خداوند است.

حدود شش سالگی، سن ارتباط کودک با خدا به صورت حرف زدن و درخواست کردن است و نوع درخواست‌های او، صورت مادی دارد. برای نمونه از خداوند چیزهایی مثل خوردنی، اسباب بازی و لباس می‌خواهد. کودک بر پایه فطرت خداجویی که در او نهاده شده، علاقه‌ای ویژه به صحبت و راز و نیاز با خداوند دارد. از همین رو، پدر و مادر و مربیان وظیفه دارند بینشی درست به کودکان ارائه کنند و سطح اطلاعات آنان را در امور مذهبی بالا ببرند.

جهان کودک، جهان محسوسات و مشهودات است و کار عمده و اساسی این دوره را بازی تشکیل می‌دهد. بنابراین اگر خواسته باشیم مفاهیم انتزاعی همانند خدا، مرگ، قیامت و کیفر و پاداش اعمال را به کودکان آموزش دهیم، باید این مفاهیم را بر پایه ویژگی‌های محسوس توصیف کنیم و آن‌ها را در قالب بازی‌ها و داستان‌های کودکان به آنان بیاموزیم.

اگر تعالیم دینی را در قالب بازی‌های کودکان و با نرمی لازم به آن‌ها بیاموزیم، افزون بر این‌که جاذب و جالب خواهد بود و دافعه نخواهد داشت، پایدار نیز می‌ماند. آنچه کودک با شیرینی می‌آموزد بهتر به ذهن می‌سپارد.

صفوان جمال می‌گوید: «... اقبل ابوالحسن موسی، و هو صغیر و معه عناقُ مکیه، و هو یقول لها: اسجدی لِرَبِّک، فاخذه ابو عبدالله(ص) و ضمّه الیابوالحسن، موسی بن جعفر - در حالی که کودک بود - نزدیک شد و بزغاله‌ای مکی همراهش بود. او به بزغاله می‌گفت: برای پروردگارت سجده کن. پدر ایشان حضرت ابوعبدالله(ع) [با مهربانی] او را گرفت و در آغوش کشید...». یعنی با بزغاله، این گونه سرگرم بازی می‌شدند.

بازی وسیله‌ای برای شناخت روحیات و استعداد‌های کودکان و یکی از ابزارهای آموزش و پرورش اخلاقی و اجتماعی آنان است و زمینه را برای ورود کودک به زندگی واقعی فراهم می‌سازد. در شیوه تربیت دینی نیز بر این مسأله بسیار تأکید شده است. تا آنجا که رسول خدا(ص) نیز با نوه‌های خود امام حسن(ع) و امام حسین(ع) بازی می‌کردند.

### نقش بازی در رشد جسمی و ذهنی کودک

علاقه کودک به بازی، نشان سلامت اوست و اگر کودکی بازی نکند، باید به سلامت او مشکوک شویم و در اندیشه درمانش باشیم. انسان به حرکت و جنبش نیاز دارد و بازی، بخش مهمی از این نیاز است. هر فرد برای رشد ذهنی و اجتماعی خود به اندیشیدن نیاز دارد و بازی، خمیرمایه این اندیشه است.

آمادگی جسمی و روحی برای رویارویی با مشکلات، بخشی از فلسفه بازی کودکان است. بنابراین هرچه بازی گسترده‌تر، پیچیده‌تر و اجتماعی‌تر باشد، کودک مصونیت روانی بیشتری می‌یابد. کشف دنیای اطراف، بخش دیگری از فلسفه بازی است. کودک حس کنجکاوی خود را از این راه ارضا می‌کند.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که بازی عاملی برای تقویت فعالیت‌های ذهنی، عقلی، اجتماعی، عاطفی و سلامت کودک است. کودک سالم به بازی عشق می‌ورزد. به حقیقت با آن زندگی می‌کند و دنیایی جز دنیای بازی نمی‌شناسد.

طبیعی است که یکی از فواید و آثار مثبت بازی، ایجاد مهارت‌های حرکتی در کودکان است. جسم کودک در بازی فعالیت می‌کند

و این فعالیت، افزون بر تمرین حرکات بدنی، نوعی ورزش جسمانی به شمار می‌آید. بازی بر قدرت بدنی و چالاکی کودک می‌افزاید و او را از حالت انفعال و انزوا می‌رهاند.

کودکان به کمک بازی، بسیاری از مهارت‌های حرکتی - روانی را می‌آموزند که می‌تواند پذیرش اجتماعی را برای آنان به ارمغان آورد. فروبل که در زمینه بازی پژوهش‌های گسترده‌ای انجام داده، معتقد است بازی یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند موجب هماهنگی رشد جسمی، روانی و اجتماعی کودک شود.

نخست، بازی موجب رشد هماهنگ دستگاه‌ها و اعضای بدن می‌شود.

دوم، حواس کودک را تقویت می‌کند.

سوم، نیرو و انرژی بدن به بهترین شکل ممکن صرف می‌شود.

چهارم، کودک از توانمندی‌های فکری و بدنی خود آگاه می‌شود.

پنجم، در یادگیری زبان نقش به‌سزایی دارد.

ششم، در رشد هوشی کودک بسیار مؤثر است.

هفتم، به کمک بازی کودک با مفاهیم مسافت، فضا و شکل آشنا می‌شود.

هشتم، زمینه بهتری را برای تفکر فراهم می‌کند.

نقش بازی در رشد خلاقیت کودک

خلاقیت، یکی از انواع متمایز هوش است و تفکر روان، انعطاف‌پذیری و ابتکار را در بر می‌گیرد. افراد خلاق می‌توانند نظرهای

بدیع و تداعی‌های جالبی را هنگام روبه‌رو شدن با مسائل جدید بی‌آفرینند. افراد خلاق به جای آن‌که بر پاسخ‌های قراردادی متمرکز باشند، به خارج از این محدوده می‌اندیشند.

پژوهش‌های انجام شده در زمینه خلاقیت نشان می‌دهند برخلاف نظریه پردازان گذشته که خلاقیت را فرآیندی ارثی و ذاتی می‌دانستند، آن را می‌توان به همگان به ویژه کودکان و نوجوانان آموخت. از این‌رو در کشورهایی که آموزش و پرورش پویا دارند، پرورش خلاقیت یکی از مهم‌ترین هدف‌های آموزش و پرورش به شمار می‌آید.

پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که بازی‌های خلاق به کودک فرصت می‌دهند با استفاده از قوه خلاقیت خود در حل مسائل، آن را رشد دهد و تقویت کند. افزون‌بر آن، نگرش مثبت پدر و مادر به کودک و برخی محیط‌های تحصیلی و آموزشی نیز در تقویت خلاقیت کودکان اهمیت دارد.

### نقش بازی در کاهش مشکلات و عصبانیت‌های کودک

کودکان سرشار از انرژی‌اند و نیاز دارند به گونه‌ای انرژی‌های خود را تخلیه کنند. اگر در محیط زندگی کودک، موقعیت مثبت و سازنده‌ای برای بروز و تخلیه نباشد، این انرژی‌ها سبب بی‌قراری و بیش‌فعالی ناهنجار در کودک می‌شوند. ولی اگر زمینه‌های بروز این انرژی‌ها به گونه‌ای مثبت و سازنده فراهم باشد، وجود کودک همانند یک ژنراتور فعال، بازتوانی و تولید دوباره انرژی را آغاز می‌کند.

به همین سبب فریاد بازی را فعالیتی تخلیه‌ای می‌دانند که کودکان را با موقعیت‌های دشوار روبه‌رو می‌کند. برای ابراز احساسات کودکان، بازی وسیله‌ای طبیعی است. کودکان از راه بازی فرصتی به دست می‌آورند تا احساسات درونشان را که از تنش‌ها، ناامیدی‌ها، ناکامی‌ها، ناامنی‌ها، پرخاشگری‌ها، آشفتگی‌ها و سرگردانی‌ها ناشی می‌شود، ظاهر کنند.

از این رو برای بازی کودکان و برآوردن نیاز طبیعی آنان در این زمینه باید محیط مناسب و وسیله کافی فراهم کرد. بازی کودکان تعبیری حقیقی از رفتارهای به‌هنگام یا ناهنجار آنان به شمار می‌آید. کودک در هنگامه بازی مشکلات و چالش‌هایی را که مایه آزرده‌خاطری اوست، بروز می‌دهد و خشمش را از بزرگ‌ترها به وسیله بازی برطرف می‌کند.

از این‌رو پدر و مادر باید هنگام بازی کودکان را به‌طور نامحسوس زیر نظر گیرند تا به دانستنی‌های جامعی از کودک خود دست یابند. دانستنی‌هایی درباره چگونگی واکنش‌های اجتماعی میان کودکان، چگونگی سخنانی که میانشان رد و بدل می‌شود و عصبانیت‌هایی که در بازی بروز می‌دهند.

روش تعبیر کودک از بیم‌ها، نیازها، خواسته‌ها و مشکلات خود به ویژه در حالت تکرار فزاینده، چگونگی رفتار کودکان از حیث نرمی و خشونت و اضطراب‌های عاطفی و مقایسه آرای آنان با والدین به ویژه هنگامی که کودک نقش پدر یا مادر را بازی

می‌کند. هنگام مراقبت حال کودکان، زمان بازی، میزان رشد زبانی، عقلی و عاطفی آنان نیز به دست می‌آید. پس از پایان مراقبت وظیفه والدین آن است که برنامه جامعی برای کنترل و تربیت کودک که با حالات عاطفی، روحی و عقلی او همخوانی داشته باشد، تنظیم کنند.

کنترل و مراقبت غیر مستقیم از کنترل و مراقبت مستقیمی که با مشارکت والدین در بازی کودکان به دست می‌آید، سودمندتر است. زیرا کودک در حالت دوم بسیاری از عواطف، آرا و تصوراتش را به سبب شرم یا ترس از والدین از آنان پنهان می‌دارد و بروز نمی‌دهد.

### نقش بازی در رشد سازگاری اجتماعی کودک

بازی، سازگاری کودک را پیش‌بینی می‌کند. نوع بازی، تنوع فعالیت‌های آن و زمانی را که کودک در بازی صرف می‌کند، همگی وضع سازگاری شخصی و اجتماعی او را نشان می‌دهند. برای مثال کودکی که اغلب به بازی‌های انفرادی و انزوایی می‌پردازد - در حالی که همسالانش با یک‌دیگر بازی می‌کنند - معمولاً سازگاری ضعیفی دارد. در بازی کودکان تنوع محسوسی وجود دارد. اگرچه بازی همه کودکان همانند و پیش‌بینی‌پذیر است، اما همه آنان به گونه‌ای همانند و به اقتضای همان سن بازی نمی‌کنند.

### نقش بازی در آموزش و یادگیری کودک

یکی از مؤثرترین و اصلی‌ترین راه‌های یادگیری کودکان، بازی است. به همین دلیل می‌توان با برنامه‌ریزی‌های هدفمند و از پیش تعیین شده از بازی برای آموزش موضوع‌های علمی، اصول اخلاقی و رفتاری، ارزش‌ها و مهارت‌ها و باورهای اجتماعی سود جست.

کودکان در خلال بازی به ویژه بازی‌های آموزشی به مفاهیم ذهنی جدیدی دست می‌یابند و مهارت‌های بیشتر و بهتری کسب می‌کنند. آنان به کمک بازی با رنگ‌ها و اشکال گوناگون و جهت‌های متفاوت آشنا می‌شوند و تجارب ارزنده‌ای به دست می‌آورند.

حین بازی نیز مطالب آموختنی را بدون فشار و با میل و رغبت فرا می‌گیرند. برای نمونه نقاشی کردن و نوشتن مهارت‌های پیچیده‌ای هستند که می‌توانند به خلاقیت کودک کمک کنند. گاه این کارها می‌توانند کودک شما را ساعت‌ها سرگرم کنند. تکه‌ای کاغذ و چند مداد رنگی یا مداد شمعی بردارید و نقاشی ساده‌ای بکشید. این نقاشی می‌تواند شکل ساده‌ای از حیوانات و اشیاء باشد. سپس از او بخواهید که کار شما را تقلید کند.

رفته رفته با بزرگ‌تر کردن اندازه شکل‌ها آن‌ها را پیچیده‌تر کنید. بکشید از رنگ‌های شاد استفاده و نام آن‌ها را برای فرزندتان تکرار کنید. وقتی کودک توانست نقاشی‌های ساده بکشد از او بخواهید که خانه، ماشین و چیزهای پیچیده‌تری بکشد و اگر موفق شد حتماً او را تشویق کنید.

## روش آموزش نوشتن

این روش درست همانند نقاشی کردن است. یک پیشنهاد خوب این است که نام کودک را بزرگ روی کاغذ بنویسید و از او بخواهید آن را مثل یک نقاشی تقلید کند. کودکان معمولاً یادگیری نوشتن نام خود را بسیار دوست دارند و این می‌تواند انگیزه‌ای برای یادگیری حروف دیگر شود.

نخست ترسیم خطوط را با کودک کار کنید و سپس ترسیم منحنی‌ها و در پایان کپی کردن حروف را به او بیاموزید. فراموش نکنید که در آغاز کودک باید بر روی خطوط شما بنویسید و سپس از روی آن‌ها کپی کند. سرانجام نیز به درخواست شما و با استفاده از حافظه خود آن‌ها را بنویسید.

## نقش بازی در رشد اخلاقی کودک

یکی از مهم‌ترین عوامل در تربیت اخلاقی کودک، بازی است. کودکان از راه بازی مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی را درک می‌کنند و رفتارهای خوب را از رفتارهای بد باز می‌شناسند. اگر چه کودک در خانه و مدرسه با ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شود، درونی شدن و تثبیت معیارهای اخلاقی در خانه و مدرسه هرگز به اندازه بازی قوی نیست.

کودک در می‌یابد که اگر بخواهد در بازی پذیرفته شود، باید درستکار، با انصاف و عادل باشد. او همچنین متوجه می‌شود که هم بازی‌هایش مقابل خطاهای او در بازی از والدینش بسیار کمتر شکایت هستند. بنابراین هنگام بازی اصول اخلاقی را نسبت به محیط خانه و مدرسه به طور کامل‌تر رعایت می‌کند؛ هر چند عکس آن نیز احتمال دارد. یعنی این‌که کودک در هم‌نشینی با برخی دوستان نامناسب، بعضی کارها و گفتارهای ناپسند و غیر اخلاقی را از آنان بیاموزد و به تنزل اخلاقی دچار شود. از این‌رو باید به قدر کافی مراقب رابطه کودکمان با هم بازی‌هایش باشیم.

یادداشت: مهدی متقی‌فر، دانش آموخته حوزه قم و کارشناس تربیت کودک